

غرور و انواع آن در اخلاق اسلامی

افراسیاب صالحی شهرودی^۱

^۱ عضو هیأت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی ایران - زاهدان

نویسنده مسئول:

افراسیاب صالحی شهرودی

چکیده

یکی از بزرگترین رذیله‌ها که در اسلام مانع کمال انسانی محسوب می‌شود، غرور است. اما به این دلیل که این رذیله نوعی «اختلال در درک» می‌باشد و تشخیص آن برای کسی که گرفتارش شده مشکل است، و همچنین به دلیل تعدد مصادیق آن، تعریف دقیق و معرفی انواع و مراتب غرور تا حد زیادی ضرورت دارد. در غالب کتب اخلاقی صرفاً به معرفی مصادیقی از افراد مغرور بسنده شده و به انواع و مراتب آن به صورت منظم و تفکیک شده توجه جدی نشده است. در مقاله حاضر دو نوع مختلف غرور با ذکر مراتب و تعدادی از مصادیق هر نوع به تفکیک معرفی شده است، تا امکان آسانتری برای تشخیص این رذیلت فراهم شود.

واژگان کلیدی: غرور، انواع غرور، مراتب غرور.

مقدمه

در دین اسلام، «کمال انسان» به عنوان یک هدف متعالی مطرح شده است لذا برای رسیدن به آن تزکیه‌ی نفس از رذائل اخلاقی از جمله غرور که خود شامل انواعی از اختلال در فهم و فریب خوردگی می باشد، ضرورت دارد.

زندگی دین مدارانه به سیر در مسیری تشبیه شده که مقصد نهایی آن لقاء خداوند است، انسان به دو دلیل ممکن است از طی این مسیر محروم بماند، نتوانستن و ندانستن؛ آنان که نمی توانند کسانی هستند که شهوت بر آنها غالب است و با وجود آگاهی از خطاها توان کنترل بر خواهشهای نفسانی خود ندارند؛ اما آنان که نمی دانند دو گروهند: عده‌ای افراد بی اطلاع و غافل هستند که هیچ تصویری از کمالات انسانی نداشته و به امور روزمره زندگی می پردازند. اما گروه دوم کسانی هستند که در عین اینکه از ضرورت تلاش برای زندگی هدفمند آگاهند و به عاقبتی سعادت‌مندانه متمایل هستند، به خطا رفته و دچار فریب خوردگی از عوامل مختلف می شوند. در متون اسلامی این افراد تحت عنوان انسانهای مغرور شناخته می شوند.

البته غزالی در کتاب «کیمیای سعادت»، در تقسیم بندی فوق، غیر از «غافلان» و «مغروران»، افراد «گمراه» را نیز زیرمجموعه کسانی که نمی دانند معرفی می کند. [غزالی، ۱۳۹۲: ۶۸۰]؛ که به نظر می رسد این دیدگاه دارای نقص است. چراکه افراد گمراه از این جهت که راه را به خطا می روند گمراه نامیده می شوند و از آن جهت که دچار فریب خوردگی شده و از شرایط خود احساس رضایت می کنند، تحت عنوان مغرور قرار می گیرند؛ نه این که گمراهان و مغروران دو گروه مجزا باشند.

معنای لغوی و اصطلاحی غرور

معنای لغوی غرور: در کتب فرهنگ لغت، در مورد کلمه «غرور» چنین آمده است: «ریشه اصلی این واژه به معنای حصول غفلت به سبب تأثیر چیز دیگری در انسان است» [مصطفوی: ج ۷، ص ۲۰۷]. «غرور چیزی است که ظاهر جالب و دوست داشتنی دارد ولی باطنش ناخوشایند و مجهول و تاریک است.» [طریحی، ۱۳۷۵: ج ۳ ص ۴۲۱] و «غرور مواردی مانند: مال، مقام، شهوت و شیطان است، که آدمی را می فریبد؛ و به شیطان تفسیر شده است.» [راغب اصفهانی، ص ۶۰۴- ابن سیده، ج ۵، ص ۳۶۰]

در نهج البلاغه دنیا هم با این صفت معرفی شده است: ((می فریبد و ضرر می زند و می گذرد!)). [نهج البلاغه: حکمت ۴۱۵]

در تفسیر نمونه در جمع این اقوال چنین آمده است: «غرور به معنی هر موجود فریبنده است، و اینکه آن را تفسیر به شیطان کرده اند، در حقیقت بیان مصداق واضح آن است، و گرنه هر انسان فریبنده، هر کتاب فریبنده، هر مقام وسوسه گر و هر موجودی، که انسان را گمراه سازد در مفهوم وسیع این کلمه داخل است، مگر اینکه مفهوم شیطان را چنان وسعت دهیم به گونه ای که همه اینها را شامل شود.»

معنای اصطلاحی غرور: در بسیاری از کتب اخلاقی اینچنین آمده: «غرور یعنی اطمینان و آرامش قلب نسبت به آنچه که با هوای نفس موافق بوده و طبیعت انسان به آن تمایل داشته باشد.» [فیض کاشانی ۱۳۷۶: ج ۶، ص ۲۹۲] در کتاب جامع السعادات هم غرور اینگونه تعریف شده است: «آرامش نفس به آنچه که موافق خواهش های پست است و طبع به سبب اشتباه و فریب شیطان، به سمت آن میل می کند.» [نراقی ۱۳۸۸: جلد دوم ص ۲۸۶]

«ابوهلال عسکری» در کتاب «الفروق اللغویه» نقل می کند که «غرور، توهم حالت شادی در امری که در واقع خلاف آن است.»

در جمع‌بندی این اقوال می‌توان گفت: «فرد مغرور کسی است که از روی جهل و تحت تاثیر تمایلات مادی، «تنبلی و شهوات» را کمال تصور کرده و امکان درک نقص‌هایش را ندارد. این فرد چون خود را بر خیر و صلاح تصور می‌کند احساس رضایتمندی و دلخوشی دارد.»

انواع غرور^۲

بسیاری از افکار بازدارنده در مسیر دینداری ذیل عنوان غرور قرار می‌گیرند و وسعت معنایی غرور تا حدی زیاد است که یکی از عناوینی که به شیطان -به عنوان اصلی‌ترین عامل فریب انسان- نسبت داده شده است غرور می‌باشد. [طباطبایی ۱۴۱۷ ق: ج ۱۷ ص: ۲۱]

با مراجعه به آیات قرآن در می‌یابیم افراد به دو طریق متفاوت ممکن است دچار فریب شوند. ۱. برخی به واسطه وابستگی بیش از حد به شهوات، به صورت ناخودآگاه جهان‌بینی خود را با امیال خود همسو می‌سازند. یعنی خودشان خودشان را فریب می‌دهند. ۲. گروهی نیز فریب افکار و اعتقاداتی که از سوی دیگران به آنها عرضه می‌شود را می‌خورند.

بنابراین غرور را می‌توان بر اساس درونی یا بیرونی بودن عامل آن به دو نوع کلی تقسیم کرد:

۱. غرور با منشاء درونی

این نوع از غرور ریشه در جهل و وابستگی بیش از حد افراد به امور دنیایی مثل جاه و مقام و لذات جسمانی یا عوامل دیگر دارد.

خداوند در قرآن چنین می‌فرماید: «ای مردم!... وعده الهی حق است مبادا زندگی دنیا شما را بفریبد و مغرور سازد...» [فاطر/ ۵] در این آیه خداوند ریشه اصلی انکار اعتقادات دینی در انسانها را فریب خوردن از دنیا معرفی کرده است [۱۷ طباطبایی]

۱۴۱۷ ق: ص: ۲۱] امام علی (ع) می‌فرماید: «سکون النفس إلى الدنيا من أعظم الغرور؛ دل بستن نفس به دنیا، بزرگترین فریب است.» [نهج البلاغه حکمت ۴۰۰]

این افراد چون اعتقادات دینی را مانع بهره‌مندی بی‌قید و شرط از لذتهای دنیایی می‌بینند و از طرفی وابستگی زیادی به دنیا و لذت‌هایش دارند، تحت تاثیر آن تمایلات بصورت ناخودآگاه اعتقاداتی برای خودشان می‌سازند که مانع بهره‌مندیهای شهوانی آنها نشود، و بر اساس همین اعتقادات در ارزیابی خود توهم کمال و بی‌نقص بودن در آنها ایجاد می‌شود و بنابراین بسیار رضایتمند و شادمان هستند.

البته وابستگی به دنیا و فریب خوردن به آن می‌تواند مراتب مختلف داشته باشد:

۱-۱ **مغرورانی که منکر دین‌اند:** در برخی افراد کار به جایی می‌رسد که کاملاً دین را انکار می‌کنند؛ این افراد حتی از شنیدن هر توضیحی در مورد عقائد دینی نفرت دارند [سوره اسرا ۱۷ آیه ۴۳]؛ زیرا احتمال می‌دهند بعد از شنیدن این مطالب حقانیت آنها را درک کنند و ناچار به تغییر شیوه زندگی خود شوند.

۲-۲ **مغرورانی که دیندار اند:** در گروهی دیگر، افکار فریبنده و غرورآمیز به گونه‌ای است که به تکذیب کلی دین نمی‌انجامد. اما فرد به گونه‌ای اعتقادات دینی خود را منحرف می‌کند که از خواهشهای نفسانی محروم نشوند. اینگونه افراد در هر مرتبه از مراتب دینداری ممکن است به طرف منافع دنیایی متمایل شوند، در حالی که گمان می‌کنند در مسیر درست در حال قدم برداشتن هستند، یا اینکه به کمال‌نهایی رسیده‌اند و از اوضاع خود شادمان و مسرور باشند.

^۲ - در دائرة المعارف اینترنتی ظهور اشاره‌ای به این نوع تقسیم‌بندی شده است اما در بسط این مبحث سخنی به میان نیامده است.

اشکالی از این نوع غرور را می توان اینچنین مثال زد:

۱. برخی صرفاً اقرار زبانی دین را مایه نجات و سعادت خود می دانند و بعد از پذیرش آن به زبان، به آموزه های عملی دین و دستورات خداوند بی توجه هستند؛ در عین حال خود را اهل نجات تصور می کنند و دلخوش هستند.

قرآن می فرماید: «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا وَغَرْتَهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا...» «کسانی را که آیین (فطری) خود را به بازی و سرگرمی گرفتند و زندگی دنیا آنها را فریب داده است رها کن...»

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه چنین می فرماید: «بین فریب خوردن از دنیا و بازیچه گرفتن دین خدا، ملازمه است، وقتی انسان نسبت به کام گرفتن از لذت های مادی، افسار گسیخته شد و همه کوشش خود را، صرف آن نمود، قهراً از کوشش در دین حق اعراض نموده و آن را شوخی و بازیچه می پندارد.» [طباطبایی ۱۴۱۷ ق:ج ۷ ص ۱۴۳]

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «بر مردم روزگاری خواهد آمد که قرآن در دل مردم همچون لباس بر بدن کهنه می گردد؛ تمام کارشان امیدبستن است و هیچ ترسی ندارند. اگر یکی عمل نیکی کند می گوید از من پذیرفته می شود و اگر بدی کند، می گوید، مرا می بخشد.»

۲. گروهی دیگر بهره مندی از هدایت دین را صرفاً پایبندی به ظواهر احکام دین تصور می کنند و به خاطر آن مسرورند اما از درک این حقیقت که عبادات صرفاً وسیله ای برای رسیدن به هدف غایی دین هست و ممکن است کسی در عمل پایبند به مناسک دینی باشند، اما به دلایل مختلف مثل عدم معرفت به حقایق دین یا حتی ریا بهره ای از عبادات خود نبرند عاجز باشند.

غزالی در کتاب کیمیای سعادت در مثالی در مورد قاریان قرآن چنین می گوید: «... اما فریب آنها در این گمان و خیال رفتن است که ادای مخارج حروف و کلمات آن کافی است، بلکه از فهم معانی عمیق آن و فرورفتن به اسرار دقیق آن، بی نیازند.» [غزالی، ۱۳۹۲: ۶۸۷]

از جمله دیندارانی که ممکن است دچار غرور شوند عالمان دین هستند؛ هر چند علوم دینی یکی از لوازم کمال مورد نظر دین است اما بهره مندی از آن به خودی خود ارزشی ندارد، برخی افراد به صرف اطلاع از مطالب دینی و داشتن محفوظات ذهنی خود را سعادت مند تصور کرده است و دلخوش هستند و از فراهم کردن دیگر لوازم رشد و تعالی مثل پاکی درون و از بین بردن رذایل اخلاقی باز می مانند.

این گونه علما در قرآن با مثالی معرفی شده اند: «مَثَلُ كَثِيرٍ مِمَّنْ أُتِيَ الْوَحْيُ وَهُوَ كَافٍ أَن يَأْمُرَ بِرَأْسِهِ وَيُخَالِفَ بِأَمْرِهِ الْأُمَّةَ أَدْنَاهَا وَالْكَثِيرَ» [سوره جمعه ۶۲ آیه ۵]

حتی ممکن است کسانی که در پاکی درون و تسلط بر شهوات تا حدی پیش رفته اند و کشف و شهودهایی هم داشته اند در میانه راه دچار توهم شده و تصور کنند به مقصد رسیده اند، و این تصور موجب سکون و رکود یا حتی بازگشت به مراحل اولیه در آنها شود غزالی این نوع غرور را غرور عظیم توصیف می کند. [غزالی، ۱۳۹۲: ۶۹۲]

۲. غرور با منشأ بیرونی:

نوع دوم غرور که در متون اخلاقی کمتر به آن توجه شده است این است که افراد در حوزه اعتقادات به فریب انسانهای دیگر گرفتار شوند، اعم از این که افراد فریب دهنده آگاهانه و به نیت فریبکاری افکار نادرست را انتشار دهند، یا این که خودشان دچار غرور بوده و نسبت به خطاهای خود غافل باشند.

این نوع غرور هم مراتب مختلفی دارد:

۱-۲. مغرور کردن با هدف عدم پذیرش دین: ممکن است افکار گمراه کننده ای که به فرد فریب خورده عرضه می شود او را در پذیرش اصل دین گمراه کند یا در هر مرحله از مسیر دینداری او را دچار غرور کرده و متوقف کند. در آیه ۴۰ سوره فاطر خطاب به بت پرستان و مشرکان آمده است: «...بَلْ إِنْ يَعِدُ الظَّالِمُونَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا»؛ «جز این نبوده که این ستمکاران به یکدیگر وعده های فریبنده می دهند» [فاطر / ۴۰] «در این آیه عامل و انگیزه مشرکین برای شرکشان، فریبی دانسته شده که بعضی از آنها نسبت به بعض دیگر روا می دارند.» [طباطبایی ۱۴۱۷ ق: ج ۱۷ ص ۵۵]

۲-۲ مغرور کردن به جهت منافع شخصی یا حزبی: گاهی بزرگان یک جامعه، به مردمشان اینگونه القا می کردند که امتیازی خاص نزد خداوند دارند و با این تصور خود را اهل نجات معرفی کرده و نسبت به احکام دین بی نیاز دانسته و از این طریق بر اساس میل خود عمل می کردند. قرآن خطاب به این افراد چنین می فرماید: «هر کس عمل بدی انجام دهد به کیفر آن خواهد رسید و جز خدا یار و یابوری نخواهد یافت.» [نساء ۱۴ آیه ۱۲۳] و یا با ساختن بت و معرفی آن به عنوان شفاعت کنندگان نزد خدا، مردم را فریب داده و منافعی از آنان به دست می آوردند. [طباطبایی ۱۴۱۷ ق: ج ۱۷ ص ۵۵]

مطلب قابل توجه در این نوع غرور این است که در این حال، افراد فریب خورده، خود را در مسیر درست تصور می کنند و از این بابت بسیار خرسند و راضی هستند. در قرآن اشاره شد که فرعون مصریان را به این باور رسانده بود که خودش پروردگار بزرگ آنهاست. [نازعات ۷۹ آیه ۲۴]

نتیجه گیری:

غرور، به معنای فریب و یا هر چیز فریبنده است، که انسان را از راه کمال باز می‌دارد. غرور دارای انواع و مصادیقی است، که بر اساس منشأ آن می‌توان آن را به دو نوع کلی تقسیم کرد. ۱. غرور با منشأ درونی. که در آن افراد با انگیزه‌هایی از قبیل: دنیا خواهی، شهوت طلبی، ثروت طلبی، و...، دین را به طور کلی انکار کرده و یا عقایدش را بر اساس هدف ساختگی خود تغییر داده تا به خواسته‌هایش برسد. در این نوع از غرور، افراد خود را در حال کمال می‌دانند و به نوعی خود را فریب می‌دهند. ۲. غرور با منشأ بیرونی. عامل بیرونی، افرادی هستند که با فریب دادن مردم، آن‌ها را از پذیرش دین باز داشته، و یا در ظاهر یک متدین برای رسیدن به منافع دنیوی، خود را دارای مقامات معنوی و الهی معرفی می‌کنند.

منابع:

۱. قرآن کریم
۲. دیلمی، احمد، اخلاق اسلامی، ص ۱۰۴، قم، دفتر نشر معارف، چاپ دوم، ۱۳۸۰ ش.
۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، ص ۶۰۴، بیروت، دارالقلم، چاپ اول.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم و المحيط الأعظم، ج ۵، ص ۳۶۰، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول
۴. شبر، عبد الله، اخلاق، ص ۳۱۷، قم، هجرت، چاپ چهارم.
۵. طباطبایی سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم - قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.
۶. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۴۲۱، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش.
۷. غزالی، محمد، کیمیای سعادت، نشر پیمان، چاپ ششم ۱۳۹۲، با سعی پروین قائمی
۸. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، المحجۀ البیضاء فی تهذیب الإحیاء، ج ۶، ص ۲۹۲، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۶ ش.
۹. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۷، ص ۲۰۷، بیروت، قاهره، لندن، دار الکتب العلمیه، مرکز نشر اثار علامه مصطفوی، چاپ سوم.
۱۰. امام علی (ع)، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، انتشارات ناصر، قم، چاپ دوم ۱۳۸۵
۱۱. نراقی مهدی، جامع السعادات، ترجمه کریم فیضی، انتشارات قائم آل محمد چاپ دوم ۱۳۸۸ جلد دوم ص ۲۸۶